

به نام خداوند جان و خرد

ادبستان پارسی

فارسی عمومی برای دانشگاه ها

www.ketab.ir

تألیف: سیمک سعادت

سرشناسه: سعادت‌ی، سیامک، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور: ادبستان پارسی/ نویسنده: سیامک سعادت‌ی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات مهر سبحان، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص.
شابک: 978-600-334-704-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: ادبیات فارسی- تاریخ و نقد
موضوع: Persian literature - history and critique
موضوع: شاعران ایرانی- مجموعه های ادبی
موضوع: Iranian poets-literary collection
موضوع: ادبیات فارسی- سبک شناسی
موضوع: Persian literature-stylistics
رده‌بندی کنگره: ۷۵۰۷۲۰۷ الف ۱۳۹۷۲
رده‌بندی دیویی: ۸۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۹۱۶۱

■ عنوان کتاب:	ادبستان پارسی
■ نویسنده:	سیامک سعادت
■ طراح جلد:	رضا فتاح
■ صفحه آرا:	مسلم عارف
■ چاپخانه و صحافی:	خانه چاپ دیویدال ایران
■ نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۷
■ شمارگان:	۱۰۰۰

■ قیمت: ۳۵۰۰ تومان

نماز:

امممل:

فهرست

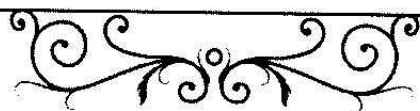
عنوان	صفحه
آغاز ادب فارسی:	۱
ویژگی‌های شعر فارسی از قرن چهارم تا میانه قرن پنجم هجری (سبک خراسانی):	۲
موضوعات شعر پارسی در این دوره:	۲
ویژگی‌های نثر پارسی در این عهد:	۳
حماسه:	۴
شعرا و نویسندگان بزرگ این دوره:	۸
رودکی:	۸
فردوسی:	۹
عنصرالمعالی:	۱۱
ابوالفضل بیهقی:	۱۳
خواجه عبدالله انصاری:	۱۷
شعر فارسی از میانه قرن پنجم تا اواخر قرن ششم هجری:	۱۸
سبک آذربایجانی:	۱۹
نثر فارسی از میانه قرن پنجم تا اواخر قرن ششم هجری:	۲۰
شعرا و نویسندگان بزرگ این دوره:	۲۱
سنایی:	۲۱
میبدی:	۲۳
خاقانی:	۲۵
نظامی:	۲۷
عطار:	۳۳
نصرائه منشی:	۳۸
محمد بن منور:	۴۵
ادب فارسی از ابتدای قرن هفتم تا انتهای قرن نهم هجری (سبک عراقی):	۴۹
ویژگی‌های شعر این دوره:	۴۸
ویژگی‌های نثر این دوره:	۴۹
نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره:	۵۱

فهرست

۵۱.....	سعدالدین وراوینی:
۵۵.....	مولوی:
۶۷.....	نجم الدین رازی:
۷۱.....	عطا ملک جوینی:
۷۴.....	سعدی:
۹۲.....	حافظ:
۹۹.....	ادب فارسی از ابتدای قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم هجری:
۹۹.....	شعر فارسی در قرن دهم (مکتب وقوع):
۱۰۰.....	شعر فارسی در قرن یازدهم و میانه قرن دوازدهم هجری (سیک هندی):
۱۰۰.....	نثر فارسی از قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم:
۱۰۲.....	شعرا و نویسندگان بزرگ این دوره:
۱۰۲.....	وحشی بافقی:
۱۰۵.....	صائب:
۱۰۷.....	ادب فارسی از میانه قرن دوازدهم تا اواسط قرن چهاردهم:
۱۰۷.....	شعر فارسی در این دوره (نهضت بازگشت):
۱۰۸.....	نثر فارسی در این دوره:
۱۰۹.....	نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره:
۱۰۹.....	هاتف اصفهانی:
۱۱۱.....	ادب فارسی در دوره معاصر:
۱۱۳.....	شاعران معروف دوره معاصر:
۱۱۳.....	نیما یوشیج:
۱۱۶.....	مهدی اخوان ثالث:
۱۱۹.....	نثر دوره معاصر:
۱۱۹.....	نثر نویسندگان معروف دوره معاصر:
۱۲۱.....	محمدعلی جمالزاده:
۱۲۳.....	صادق هدایت:
۱۲۵.....	بزرگ علوی:
۱۲۶.....	منابع و مآخذ:



پیشگفتار



کوشش‌های بسیار، برای تعریف ادبیات صورت گرفته است و تعاریفی که ارائه شده، گاه بسیار کلی و مبهم و گاه بسیار جزئی هستند. عمده تعاریفی که توسط ادیبان و حتی فلاسفه ارائه شده است، یا کامل نیست و یا اگر کامل باشد، جامع نیست. به عنوان مثال ادبیات را می‌توان نوشته‌ای خیالی به معنای داستان یا نوشته‌ای که تخیلی نیست، تعریف کرد اما حتی تأملی کوتاه درباره آنچه که مردمان ادبیات به شمار می‌آورند، حاکی از آن است که این تعریف نه کامل است نه جامع.

علامه دهخدا، ادبیات را چنین تعریف کرده‌اند: «ادبیات عبارت است از "چگونگی تعبیر و بیان احساسات و عواطف و افکار به وسیله کلمات در اشعار و صورت‌های مختلف"»^۱ این تعریف هم بسیار کلی است و هم مانع نیست.

ستوده در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات، می‌گوید: «ادبیات به علوم ادبی یا آثار ادبی یک جامعه اطلاق می‌شود و به معنای علمی است که انسان با داشتن قواعد آن می‌تواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد.»^۲ این تعریف هم بسیار کلی است و مبانی ادبیات و اثر ادبی در آن نیامده است.

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، با این توجیه که اصلاً نیازی به تعریف ادبیات نیست و همین که بدانیم آثاری مانند شاهنامه و ایلید و اشعار حافظ و... ادبیات محسوب می‌شوند، ادبیات را این گونه تعریف می‌کند: «به طور کلی ادبیات آن گونه سخنانی است که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده و مردم آن

۱ - لغت‌نامه دهخدا: ذیل واژه

۲ - جامعه‌شناسی ادبیات از هدایت الله ستوده: ۳۶

سخنان را درخور ضبط و نقل دانسته‌اند و از شنیدن آن‌ها دگرگون گشته‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و آلم کرده‌اند.^۱

ایشان در تعریفی دیگر می‌گوید: ادبیات عبارت است از "تمام ذخایر و موارث ذوقی و فکری اقوام و امم عالم که مردم در ضبط و نقل و نشر آن اهتمام کرده‌اند."^۲

حق آن است که این تعریف نیز در حکم یک معرفی کلی است و بدون اطلاع از مبانی ادبیات و اینکه ادبیات از چه عناصر و مضامینی تشکیل یافته، نمی‌توان تعریفی کامل از ادبیات ارائه داد. اروپائیان هم در فرهنگ‌های خود، ادبیات را چنین تعریف کرده‌اند: "ادبیات دانشی است که شامل مجموعه آثار مکتوب یک ملت با یک مملکت و یک زبان مشخص است."^۳ واضح است که این تعریف هم از اساس درایسکال است: هم آثار غیر مکتوب ذکر نشده که آثار شفاهی نامیده می‌شود و هم بسیاری از آثار در شاخه‌های مختلف علوم تخصصی هستند که هرگز نمی‌توان آن‌ها را ادبیات خواند.

تعاریفی از این دست بسیارند و عموماً راهگشا نیستند. چراکه تعریفی علمی - که دو شرط کامل و جامع بودن را دارا باشند - از ادبیات ارائه نداده‌اند.^۴

شاید بتوان ادبیات را نه بر مبنای داستانی یا تخیلی بودن آن، که بر این اساس که زبان را به شیوه خاصی به کار می‌برد، تعریف کرد. به موجب این نظریه، ادبیات نوعی روش است که به گفته یاکوبسون، نمایشگر "در هم ریختن سازمان یافته گفتار متداول است" ادبیات. زبان عموماً را دگرگون می‌کند، قوت می‌بخشد و به گونه‌ای نظام یافته، آن را از گفتار روزمره، منحرف می‌سازند.^۵

۱ - نقد ادبی از دکتر عبدالحسین زرین کوب: ۸

۲ - همان: ۸

۳ - پور دریایی و سعیدی، علی و سعید (۱۳۹۲)، "ادبیات چیست؟" هفتمین همایش پژوهش‌های ادبیات، ۲۸۳-۲۹۱

۴ - برای این نوع تعاریف، بنگرید به: "فرهنگ سخن انوری، ذیل واژه"، تصویر سخن در آینه ادب از علی هادی: ۱۷

۵ - پیش درآمدی بر نظریه ادبی از تری ایگلتون: ۴

فرمالیست‌ها ابتدا اثر ادبی را مجموعه‌ای کم‌وبیش دل‌خواسته از "تمهیدات" می‌دانستند و بعدها بود که این تمهیدات را به‌مثابه اجزای مرتبط با یکدیگر و دارای "نقش‌هایی" در درون کل نظام متن تلقی کردند. این تمهیدات عبارت بودند از "صدا، صور خیال، آهنگ، نحو، وزن، قافیه، فنون داستان‌نویسی و درواقع کل عناصر ادبی صوری"^۱.

فصل مشترک همه این عناصر، تأثیر "غریبه کننده" یا "آشنایی زداینده" آن‌هاست. آنچه مشخصه زبان ادبی است و آن را از سایر سخن‌ها متمایز می‌کند، این است که زبان معمول را به روش‌های گوناگون "تغییر شده" می‌دهد. زبان معمول زیر فشار تمهیدات، تقویت، فشرده، تحریف، موجز، گزیده و واژگون می‌شود؛ زبان، ناآشنا می‌شود و به تبع آن دنیای مألوف، به یک‌باره ناآشنا می‌شود. ادبیات، با وادار کردن ما به دنیای مبهیج از زبان، پاسخ‌های عادی ما را جانی تازه می‌بخشد و اشیا را "قابل درک‌تر" می‌نماید. سخن ادبی زبان معمول را ناآشنا می‌کند؛ اما شگفت آن‌که ما را به کسب آگاهی کامل‌تر و نزدیک‌تری از تجربه سوتی می‌دهد.

به عقیده سارتر "فقط معنای کلمات است که به کلمات، وحدت بیان و استقلال می‌بخشد؛ اگر معنی نبود، الفاظ چون اصواتی میان‌تهی یا خوار و معوج می‌آشفتمند و می‌پراکندند."^۲ ادبیات، عواطف انسان‌ها را هدف می‌گیرد؛ چنان‌که سارتر می‌گوید: "منظور نویسنده، مانند همه هنرمندان دیگر، آن است که به خوانندگانش نوعی احساس عاطفی بدهد که در عرف به لذت زیبایی موسوم است." تخیل رکن دیگر در ادبیات است و آن را در هر اثر ادبی می‌توان یافت.^۳ با بررسی تعاریف ارائه‌شده، می‌توان گفت که تعریف یاکوبسون از ادبیات علمی‌ترین تعریف است و اگر عناصر و مضامین آثار ادبی را هم مشخص کنیم، کامل‌تر خواهد شد.

۱ - همان: ۵

۲ - ادبیات چیست؟ از ژان پل سارتر: ۶۰

۳ - همان: ۱۳۰